



نظر
خواهی

در جست‌وجوی نظم جدید

پیامدهای وقایع پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برای ایران و خاورمیانه



کرده‌است. بسیاری از روندهایی که تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ وجود داشت، اکنون تغییر کرده‌اند. روند آشتی کشورهای عربی با اسرائیل در چارچوب توافق‌های ابراهیم، امروز متوقف شده‌است، هرچند دولت آمریکا تلاش می‌کند با اقدام‌های دیپلماتیک ضمن توقف جنگ غزه، روند گذشته را مجدداً احیا کند، اما اقدام‌های اسرائیل به‌ویژه اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه، جنگ ۱۲ روزه با ایران و حمله به خاک قطر، باعث شده‌است تا کشورهای عربی بدبینی عمیقی نسبت به اسرائیل

شروع جنگ در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۶ مهر ۱۴۰۲) عملاً خاورمیانه وارد دوره‌ای جدید شد: آنگونه که حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر اندیشکده شورای خاورمیانه برای امور جهانی می‌گوید: «خاورمیانه پیش از ۷ اکتبر دیگر وجود ندارد.» دو سال جنگ در غزه، فقط باعث کشته شدن بیش از ۶۵ هزار نفر و آوارگی صدها هزار نفر و با خاک یکسان شدن بخش عظیمی از زیرساخت‌های غزه نشده‌است، بلکه به شکل اساسی و بنیادین توازن قوا در خاورمیانه را به هم زده‌است و منطقه را وارد عصر جدیدی

بود، اما خطوط قرمز سنتی را جابه‌جا کرده و منطقه را به سمت یک درگیری تمام‌عیار سوق داد که پیامدهای آن می‌توانست برای ایران و تمامی منطقه فاجعه‌بار باشد. این مجموعه عوامل نظامی، نتایج راهبردی مطلوب محور مقاومت را به تعویق انداخت و حتی در برخی ابعاد، آن را تضعیف کرد.

در سوی دیگر میدان، اسرائیل موفق شد در ابعاد نظامی، موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهد و فضای منطقه را از حیث برتری نظامی و امنیتی، به نفع خود سوق دهد. عملیات‌های تهاجمی و دفاعی اسرائیل، اگرچه با انتقادات بین‌المللی همراه بود، اما به اهداف تاکتیکی خود در غزه و در برابر تهدیدات منطقه‌ای دست یافت. با این حال، همین دستاوردهای نظامی با چالش‌های دیپلماتیک بی‌سابقه‌ای همراه شد. روند «توافقات ابراهیم» که نمادی از عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی بود، عملاً متوقف شد و حتی به چالش کشیده شد. تلاش‌ها برای بهبود روابط و عادی‌سازی با کشورهای عربی، دستخوش رکود و تردید شد. افزون بر این، فشارهای دیپلماتیک حتی از جانب متحدین اصلی اسرائیل، به خصوص ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی، بر این رژیم افزایش یافت و آن را در وضعیت دشوار بین‌المللی قرار داد. این وضعیت، پارادوکسی را ایجاد کرده است که در آن اسرائیل از نظر نظامی برتری می‌یابد، اما از نظر دیپلماتیک و مشروعیت بین‌المللی، تضعیف می‌شود.

موازنه سه‌ضلعی پیش از هفتم اکتبر - شامل ایران و متحدینش از یک سو، اسرائیل از سویی دیگر و کشورهای عربی به عنوان ضلع سوم - به طور اساسی بر هم خورده است. می‌توان گفت که هر یک

سخن می‌گفت، به وضوح نشان‌دهنده همین نگرش راهبردی بود. برنامه این بود که از طریق ابزارهای نظامی و فعال‌سازی «جبهه‌های پشتیبان» در لبنان، سوریه و یمن، فشار نظامی بر اسرائیل افزایش یابد، آن را تضعیف کند و نهایتاً به انزوا بکشاند. این استراتژی، در پی تغییر تدریجی موازنه قدرت و ایجاد یک واقعیت ژئوپلیتیکی جدید بود که در آن، محور مقاومت نقش محوری‌تری ایفا کند.

با این حال، تحولات میدانی و پیامدهای عملیاتی پس از هفتم اکتبر، مسیری کاملاً متفاوت را طی کرد و به نتایجی انجامید که فاصله بسیار توجع‌ی با آنچه مدنظر تصمیم‌گیران در تهران، بیروت و دیگر اضلاع این شبکه بود، داشت. عملیات گسترده و به گفته بسیاری، «غیرمنتظره» اسرائیل در غزه، با شدت و دامنه‌ای وسیع‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، صورت گرفت. شکست‌هایی که بر حزب‌الله در لبنان تحمیل شد، از جمله تخریب زیرساخت‌های نظامی و فشار بی‌سابقه بر مناطق جنوبی لبنان، بر توانایی‌های این گروه تأثیر گذاشت.

اگرچه سقوط دولت اسد را نمی‌توان به طور مستقیم به هفتم اکتبر ربط داد، اما این واقعه یکی از پیامدهای غیرمستقیم و ناخواسته این جنگ برای محور مقاومت بود که عمق استراتژیک آن را تحت الشعاع قرار داد. فراتر از این، درگیری‌های مستقیم و بی‌سابقه میان ایران و اسرائیل، هرچند اغلب کنترل‌شده و با پیام‌های هشدارآمیز همراه

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



روز ۱۵ مهرماه سال ۱۴۰۲، کسی در تهران تصور نمی‌کرد که صدای گلوله‌های جنگ اسرائیل با فلسطینیان در تهران شنیده‌شود. با عبور حماس از حصارهای چندلایه نوار غزه و

بازآرایی خاورمیانه

حمیدرضا عزیزی

پژوهشگر اندیشکده شورای خاورمیانه در امور جهانی



دو سال پس از واقعه هفتم اکتبر ۲۰۲۳، با قطعیت می‌توان اذعان داشت که خاورمیانه پیش از این تاریخ دیگر وجود ندارد. این دگرگونی ریشه‌ای و عمیق، نه‌تنها در سطح قدرت بازیگران اصلی منطقه، بلکه در ماهیت تعاملات ژئوپلیتیکی و حتی در تعریف فضاهای نفوذ، تغییرات اساسی ایجاد کرده است. خاورمیانه کنونی، با سیالیت و شکنندگی بی‌سابقه‌ای تعریف می‌شود که بر تمام معادلات منطقه‌ای، از جمله بر جایگاه و امنیت جمهوری اسلامی ایران، تأثیر مستقیم گذاشته است.

از منظر جمهوری اسلامی ایران و متحدینش در «محور مقاومت»، رخداد هفتم اکتبر به مثابه یک فرصت استثنایی و تاریخی نگریسته شد. این دیدگاه، نظم منطقه‌ای را که پیش از آن بر پایه موازنه‌های خاصی شکل گرفته بود، در آستانه دگرگونی بنیادین می‌دید. هدف، به گفته تحلیل‌گران، دگرگون ساختن این نظم «یک‌بار برای همیشه» به نفع این محور بود. سخنان سیدحسین نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، در اوج جنگ غزه که از یک «اسرائیل منزوی و ترسان»

تحول اساسی در معادلات خاورمیانه



صبح زنگنه

نماینده پیشین ایران در سازمان همکاری اسلامی

دیروز دومین سالگرد ۷ اکتبر و شروع جنگ غزه بود. این واقعه تا به امروز بر بسیاری از معادله‌ها و محاسبه‌های جاری در منطقه تأثیر بسیار عمیقی گذاشته‌است. یکی از این محاسبات ادعای شکست‌ناپذیری اسرائیل بود که ۷ اکتبر این تصور را از بین برد. شاید آشکارترین و واضح‌ترین اثر واقعه ۷ اکتبر همین از بین بردن تصویر شکست‌ناپذیری اسرائیل بود. از سوی دیگر پرونده فلسطین که تا پیش از ۷ اکتبر در حال به فراموشی سپرده شدن بود و به عنوان موضوع فرعی و ثانوی مطرح می‌شد، به شکل اساسی تغییر کرد و به یکی از موضوع‌های اولویت‌دار برای منطقه بلکه کل جهان تبدیل شد.

نحوه برخورد اسرائیل با فلسطینیان هم بعد از ۷ اکتبر دچار تحول اساسی شد. جنگ در غزه به یک روند وحشیانه و خشونت بی‌انتهای تبدیل شد و قواعد مواجهه اسرائیل با گروه‌های مقاومت فلسطینی دچار تحول اساسی شد. در معادلات سیاسی بین فلسطینی‌ها و کشورهای منطقه که بعضی از کشورهای عربی تصور می‌کردند که غزه و موضوع حماس در حال به پایان رسیدن است، اما ۷ اکتبر نشان داد که حماس همچنان در متن همه گفت‌وگوها و همه اقدامات قرار دارد. حماس از ۷ اکتبر هرچند به شکل کم‌سابقه‌ای آسیب دید و رهبران خود را در ترورها و عملیات نظامی اسرائیل از دست داد، اما همچنان به عنوان بازیگر اصلی در نوار غزه مطرح است و طرف گفت‌وگوها و مذاکره برای آتش‌بس و پایان جنگ قرار می‌گیرد. کشتار بیش از ۶۵ هزار نفر از شهروندان نوار غزه به بهانه جنگ با حماس، پرده از خوی وحشی‌گری اسرائیل برداشت و باعث تضعیف جایگاه اسرائیل در جهان شد.

ورود کشورهایی مثل یمن و لبنان به موضوع مقابله با اسرائیل و حمایت از فلسطینی‌ها و غزه به یک مسئله قابل توجه تبدیل شد و پس از ۷ اکتبر با دخالت لبنانی‌ها و یمنی‌ها فصل جدیدی از تقابل بروز پیدا کرد. وارد شدن کنشگران غیردولتی به جنگ با اسرائیل یک تحول عمده در قواعد درگیری در منطقه بود. در طول ۸ دهه موجودیت اسرائیل، عمده جنگ‌های اسرائیل با کشورهای همسایه و دولت‌های عربی پیرامون رخ داده بود، اما این بار گروه غیردولتی مانند حزب‌الله لبنان و گروه نیمه‌دولتی مانند انصارالله یمن وارد نبرد با اسرائیل شدند.

از جمله وقایع مرتبط با ۷ اکتبر می‌توان به تحول در سوریه اشاره کرد. سقوط رژیم اسد همزمان با جنگ غزه رخ داد و نیروهای مسلح متمایل به ترکیه و قطر وارد صحنه شدند و دمشق را تحت سلطه خود درآوردند. اما با سر کار آمدن حکومت جدید، اسرائیل هم وارد جنوب سوریه شد و حتی تا فاصله ۲۵ کیلومتری دمشق را اشغال کرد و همچنین به استان‌های مختلف جنوب سوریه تعرض کرد. این وضعیت، وضعیت جدیدی است که به تبع آن بر وضعیت لبنان هم اثرگذار بود. به شهادت رسیدن کادر رهبری حزب‌الله لبنان یکی از آثار حملات اسرائیل پس از ۷ اکتبر بود که به آتش‌بس پاییز سال گذشته منجر شد. هرچند حزب‌الله لبنان از نبرد با اسرائیل خارج شد اما مقاومت یمنی‌ها ادامه پیدا کرد. مقاومت یمن به مرحله‌ای رسید که آمریکا مجبور شد با حوثی‌های یمن به توافقی برسد و نوعی آتش‌بس بین آمریکا و حوثی‌های یمن برقرار شود. این نخستین بار بود که چنین اتفاقی رخ می‌دهد که بزرگترین قدرت غربی با یک گروه یمنی وارد مذاکره و توافق برای برقراری آتش‌بس می‌شود.

یکی از نتایج مهم وقایع دو سال گذشته را در صحنه افکار عمومی کشورهای غربی مشاهده کردیم. جنایت‌های اسرائیل در غزه به شدت در تصویر اسرائیل در افکار عمومی جوامع غربی اثرگذار بود و ادامه پیدا کرد. در دو سالی که این وضعیت بعد از هفته اکتبر پدید آمد در غرب شاهد جنبش عظیم مردمی دانشجویی و افکار عمومی علیه جنایت‌های اسرائیلی بودیم. مرحله بعد هم حرکت دولت‌های جهان برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین بود. در دو سال گذشته حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ کشور برای به رسمیت شناختن فلسطین اعلام آمادگی کرده‌اند.